



بازآفرینی فضای معماری با رویکرد ارتقاء هویت ایرانی

سمیه اوچیزی^۱، جمال‌الدین مهدی‌نژاد^۲

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج (نویسنده مسئول):
taraochizi64@yahoo.com

۲- دانشیار و عضو هیات علمی گروه معماری، دانشکده مهندسی معماری و شهرسازی، دانشگاه تربیت دبیر
شهید رجایی تهران

چکیده:

معماری سرشار از هویتی است که اولاً بیانگر ارزش‌های حاکم بر جامعه است، دوماً
مبین ارزش‌هایی است که جامعه به آن‌ها تمایل دارد. در کشور ما که یکی از غنی‌ترین
سرزمین‌ها از نظر بهره‌مندی از میراث و دستاوردهای فرهنگی است و از نمودهای آن
شهرسازی و معماری ویژه و شناخته‌شده، در سطح جهانی هست؛ با توجه به این
مطلب که زندگی امروز خود را چگونه می‌خواهیم و به فردا چگونه می‌اندیشیم و از گذشته
خود چگونه بهره‌برمی‌داریم، ساختن شهرها و تولید عناصر معماری از حساسیت
خاصی برخوردار است. در این پژوهش برآنیم اهمیت هویت در کالبد معماری و تأثیر
آن بر ارتقاء کیفیت فضای معماری ایرانی را بررسی و عوامل آن را مشخص نماییم.
آنچه هویت ایرانی را از سایر فرهنگ‌ها جدا می‌کند بررسی ارتباط رفتارهای متکی بر
روان انسان و محیطی کالبدی و فرهنگی است. به همین دلیل بررسی هویت فضاهای
طراحی‌شده برای این کشور (ایران) ضرورت می‌یابد. امید است به تأیید تحلیل‌های
مستدل در پژوهش پیش‌رو، اسراری چند را در باب رابطه هویت ایرانی و معماری هویدا
سازد. از این رو با مطالعه و بررسی منابع کتابخانه‌ای و پژوهش‌های پیشین، از طریق
روش توصیفی-تحلیلی به اهمیت و ارتباط این دو مهم پرداخته شده است. در پایان در
جهت افزایش کیفیت فضا مبتنی بر هویت ایرانی؛ راه‌کارهایی چند ارائه شده است.
کلمات کلیدی: هویت، هویت ایرانی، فضای معماری، معماری و شهرسازی.

بازآفرینی فضای معماری با رویکرد ارتقاء

هویت ایرانی

سمیه اوچیزی، جمال‌الدین مهدی‌نژاد

صص ۲۳-۴۵

۱- مقدمه

گرایش به احیای معماری اسلامی - ایرانی یکی از گرایش‌های شناخته‌شده در معماری معاصر ایران در اواخر دوره پهلوی دوم و بعد از انقلاب اسلامی است که در کنار تمایلاتی چون گرایش به معماری پست‌مدرن، گرایش به استفاده از فناوری روزآمد و گرایش‌های تجدید حیات گرایانه مشاهده شده است (مهدوی نژاد، ۱۳۸۵، ۱۲-۲۳). هویت ایرانی در شناساندن ویژگی‌های فرهنگی سرزمینمان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در زمینه معماری و شهرسازی نیز دستیابی به یک معماری با هویت موضوعی پراهمیت است که با مرور زمان به خواست طیف وسیعی از مخاطبین معماری تبدیل شده است (مهدوی نژاد و دیگران، ۱۳۸۹، ۱۱۳-۱۲۲). معمولاً هویت یک اثر معماری را با میزان ایده‌ها و اثرات برگرفته از ویژگی‌های فرهنگی موجود در آن اثر می‌سنجند. در مطالعاتی که دکتر حجت (۱۳۸۴) به بررسی جایگاه هویت از دیدگاه انسان سنتی و انسان مدرن پرداخته؛ به جستجوی دلایل بی‌هویتی معماری امروز که نشأت گرفته از انسان تنوع‌طلب مدرن پرداخته است و همچنین در پی یافتن هویت گمشده معماری گذشته ایران است. ایشان معتقدند که در معماری امروز ما به تعداد معماران، هویت وجود دارد و این خود اهمیت معمار را نشان می‌دهد که معمار گذشته فرهنگ جامعه خود را در محصول کار خود (بنا - معماری) ساخته و بدان هویت می‌بخشیده است؛ فرهنگ؛ شرایط اقلیمی و گرایش‌های دینی هر جامعه بر روی معماری دوران خود اثرگذار بوده و این ارزش‌ها باید مجدداً بازخوانی گردد تا معماری امروزی از بی‌هویتی خارج گردد. مردم هر فرهنگی با توجه به گذشته و تاریخ خود، نمادها و رمزهای هویت‌سازی دارند (مهدوی پور، ۱۳۷۷). در معماری گذشته به دلیل نگاه وحدت‌گرای معمار که در پی یافتن هویت الهی به جای یافتن هویت بود، هویتی واحد وجود دارد (حجت، ۱۳۸۴، ۵۵-۶۲).

یکی از دلایل سردرگم بودن معماری امروز ایران در یافتن هویت خود، روشن نبودن اندیشه پشت این معماری است. اگر ما به درستی به اندیشه زمان خودمان مسلط شویم یا به عبارت بهتر، اندیشه روشنی برای امروز ما وجود داشته باشد، شاید معماری راحت‌تر بتواند هویت خود را بازیابد (میرمیران، ۱۳۸۳، ۱۲).

۲- روش‌شناسی پژوهش

از نگاه استوارت چپین^۱، چهار روش توصیفی^۲، تشریحی^۳، مقایسه‌ای^۴ و مشابه‌سازی^۵، در راستای صورت‌بندی تحقیق، به کار می‌آیند (اسلامی، ۱۳۹۲). روش این پژوهش که مراحل مختلف آن معرفی شده‌اند در محدوده توصیفی و تشریحی قرار می‌گیرد. جمع‌آوری داده‌ها از طریق اطلاعات کتابخانه‌ای و پژوهش‌ها و مقالات پیشین در این خصوص جمع‌آوری گردیده است. محقق جهت تحلیل و نقد و پردازش داده‌های خام، از پایگان اندیشگی‌اش بهره می‌برد که به گونه‌ای کنش مداخله‌گرانه به شمار می‌آید (مهدی‌نژاد و صادقی حبیب‌آباد، ۱۳۹۴). همان‌طور که لیندا گروت، استفاده از ای راهبرد را در رشته معماری، ضروری و حائز اهمیت می‌داند (لیندا و وانگ، ۱۳۹۰، ۳۷۰).

1. Stewart Francis

2. Descriptive

3. Explanatory

4. Evaluation

5. Simulative

۳- ضرورت و اهمیت پژوهش

معماری امروزی ایران در زمینه هویت ایرانی با مشکلات جدی روبه‌رو است و هویت بیگانه روز به روز در آن گسترش پیدا کرده است. در توسعه شهری معاصر با ورود محصولات عینی و ذهنی و وارد شدن آرای بیگانه به کشورهای اسلامی به خصوص ایران؛ به دلیل نادیده انگاشتن اثرات نامطلوب و مضر تکنولوژی وارداتی از غرب که با فرهنگ و جامعه امروزی ایرانی مغایرت داشته؛ الگوی اشتباه برای معماری ایرانی درآمد که اصلی‌ترین این مشکل: بیگانگی با مبانی نظری ارزشمند در آثار و الگوهای گذشته معماری ایرانی بوده است. یکی دیگر از مشکلات اصلی که معماری ایران را در معرض خطر قرار داده است؛ ریشه در بخشی‌نگری دارد و ناشی از عدم توجه به حکمت حیات و باور به امکان وجود معماری و شهر اسلامی و بی‌توجهی به نظرات اسلام در چگونگی شکل دادن محیط زندگی و مسائل کلی شهرها است. اصولی که در معماری سنتی ایران سیراز کثرت به وحدت و راه‌هایی از بحران در هویت اسلامی را حرکت از جزیه کل و از مصداق به مفاهیم می‌داند (نقره‌کار، ۱۳۸۷). توجه معماران و طراحان در عصر امروزی به بخش هویت بخشی به معماری امروز مبتنی بر هویت ایرانی و منطقه‌ای امر مهم تلقی شده و جا دارد با بررسی مفاهیم و ارائه الگو به ارائه راهکارهایی با بررسی معماری گذشته و استخراج منطقی ارزش‌ها، از بحران هویت امروزی خارج شویم.

۴- معنای هویت

هویت در فرهنگ لغت دهخدا عبارت است از تشخیص و همین میان حکیمان و متکلمان مشهور است. (دهخدا، ۱۳۳۴، ۳۴۹). هویت یعنی حقیقت شی یا شخص که مشتمل بر صفات جوهری وی باشد. هویت در لغت به معنای شخصیت، ذات، هستی و وجود و منسوب به هومی باشد. (عمید، ۱۳۶۳، ۱۹۸۴). معماری دارای هویتی است که اولاً بیانگر ارزش‌های حاکم بر جامعه است، دوماً مبین ارزش‌هایی است که جامعه به آن‌ها تمایل دارد. سوماً بیانگر عوامل هویت فرهنگی پدیدآورنده آن است (طبسی، ۳۶۹، ۱۳۸۶)؛ و این که آنچه اثرش را در نگاه عموم با هویت جلوه می‌دهد، تعلق یا عدم تعلق آن به هویت جمعی و پایدار است (حجت، ۵۷).

هویت روحانی و معنوی انسان، بارزترین و اصلی‌ترین وجه هویتی انسان از نظر متألهین هست و عامل اصلی تمایز او با همه موجودات عالم هستی است و به دلیل تأثیری که بر انواع دیگر هویت به ویژه هویت شخصیت انسان دارد از جایگاه والا و ارجمندی برخوردار است. با عنایت به جایگاه و ارزش هویت روحانی، آن را می‌توان در دو سوی «هویت الهی» و «هویت شیطانی» قرار دارد (نقی زاده، ۱۳۸۶، ۳۰۸-۳۰۹).

هویت طبقه‌بندی اشیاء و افراد و مرتبط ساختن خود با چیزی یا کسی دیگر (مثلاً یک دوست، یک قهرمان، یک حزب، ...) است (تاجیک، ۱۳۸۴، ۹). صدرالمتألهین شیرازی هویت هر موجودی از نحوه خاص وجود او می‌داند و می‌گوید در انسان هویت واحده است که متشکل به شئون مختلف می‌شود (ملاصدرا، ۱۶۴۱-۱۵۷۱).

فن و هنر معماری از مهم‌ترین نشانه‌ها و ویژگی‌های فرهنگ هر قوم و هر دوره تاریخی و نشان‌دهنده فضای زیست انسان در هر زمان می‌باشد. معماری همیشه و در همه حال تابع اصول و ضوابط معین و شناخته شده‌ای است و پیوندی استوار و ناگسستنی با فرهنگ، الگوهای رفتاری و ارزش‌های جامعه دارد و به همین دلیل است که سبک

بازآفرینی فضای معماری با رویکرد ارتقاء

هویت ایرانی

سمیه اوچیزی، جمال‌الدین مهدی‌نژاد

صص ۳۳-۴۵

معماری هر دوره، انعکاسی از فرهنگ و هنر آن دوره محسوب می‌شود، همچنان که تغییرات در معماری با تغییراتی که در سایر عرصه‌های زندگی به وقوع می‌پیوندد متناسب است، و این تغییرات لازمه معماری پویا و زنده است تا بتواند نیازهای جدید انسان را پاسخگو باشد.

در ایران مسئله بی‌هویت شدن شهری به دو دلیل اساسی صورت گرفته است: نخست به دلیل بحران‌های عمومی اقتصادی که به رشد بی‌رویه جمعیت شهری در فاصله سال‌های ۱۳۳۵ تا امروز یعنی از زمانی که درآمد‌های نفتی به صورت وسیع و روزافزون وارد کشور شدند، اتفاق افتاد و ایران را از کشوری کاملاً روستایی، خودکفا با مردمانی که سختی را در زندگی روزمره خود احساس و آن را مدیریت می‌کردند، به کشوری در حال کاملاً شهری، با مردمی بیشتر مصرف‌کننده و گاه صرفاً آسایش طلب و گریزان از سختی و کار درازمدت بدل کرد و طبعاً این اتفاق در زمینه فضایی و در مدتی بسیار کوتاه (کمتر از ۵ سال)، نمی‌توانست بدون ساخت وسازهایی بی‌هویت و صرفاً برای تأمین مسکن در کوتاه‌مدت‌ترین و نازل‌ترین قیمت ممکن، همراه باشد؛ نتیجه این امر نیز کاملاً آشکار است: امروز کمتر شهری را می‌توان در ایران دید که در ساخت وسازهایی عمومی چه مسکونی و چه اداری شبیه دیگر شهرها نباشد همه جا مصالح یکسان، نقشه‌های یکسان و ساختارهای یکسانی را می‌بینیم که اکثراً نیز در پایین‌ترین سطح از لحاظ زیباشناسی و فناوری قرار دارند و این طبعاً به روند شکل‌گیری هویت شهری ضربه سختی می‌زند، زیرا افراد در زندگی روزمره خود در فضاهایی شبیه شده و بی‌روح و بی‌معنی زندگی می‌کنند (مهدی‌نژاد و صادقی حبیب‌آباد، ۱۳۹۳).

۵- هویت در معماری ایرانی

مفهوم هویت در دوران پیش از مدرن به صورت امروزی مطرح نبود چرا که مورد شک و پرسش قرار نگرفته بود. جو غالب این دوران جو مذهبی بود که از آن به «توتالیته مذهبی» یاد می‌شود (قبادیان، ۱۳۸۳، ۲۴). شکست معماری «مدرن» و عدم توجه به کیفیاتی که به انسان حس تعلق و وابستگی را بدهد، با ظهور معماری پسا مدرن برای بازگرداندن معنا به معماری، هویت معماری بیش از پیش مورد توجه واقع گردید. زمانی که بسیاری از مردم احساس می‌کنند که زندگی‌شان بی‌معنا است و از خود بیگانه شده‌اند (شولتز، ۱۳۸۲، ۸۵).

مفهوم هویت در معماری پیش از مدرن به تبع روزگار آن به شکل امروزی مطرح نشده بود. تأکید معماری گذشته بر کرامت انسان بود و معماری کارایی، پایایی و زیبایی را برای تکریم مقام انسان می‌خواست (حجت، ۱۳۸۲، ۶۵). مطالعه هویت معماری در اشکال مختلفی و با رویکردهای متنوعی صورت گرفته است که انواع آن، با استفاده از جدول گدس در چهار دسته قابل تقسیم است و به این وسیله می‌توان موضع این تحقیق را از نظر اولویت و اصالت موضوع تعیین کرد (به نقل از مهدی‌نژاد و صادقی حبیب‌آباد، ۱۳۹۳):

[۱]. دسته اول مطالعاتی هستند که با توسل به انواع علوم از جمله فلسفه، منطق، روانشناسی، سیاست و... به طرح مسئله هویت در حیطه نظری می‌پردازند. این بحث‌ها با وجودی که سعی در ایجاد پایگاه علمی نظری دارند و وجوه مختلف هویت را مورد بررسی قرار می‌دهند اما در مواجهه با مسائل مرتبط با معماری و ابزارهای مختص این رشته کارایی چندانی ندارند و فقدان رویکرد به معماری به شکل تفصیلی کاملاً محرز است (اقبالی، ۱۳۷۸).

[۲]. دسته دوم آن دسته از مطالعاتی هستند که از دید معماری و با توجه به ابزارهای خاص این رشته وارد بحث می‌شوند و به مطالعه و بررسی ویژگی‌های معماری به واسطه مطالعات میدانی و نظری پرداخته می‌شود که از میان انواع خواص و ویژگی‌ها، هویت نیز به عنوان یک ویژگی مورد کنکاش واقع می‌گردد. در این رویکرد معماری به عنوان عامل اولیه مورد مطالعه قرار می‌گیرد و هویت نیز یک عامل ثانویه در این گونه مطالعات مورد نظر است.

[۳]. دسته سوم مطالعاتی را شامل می‌شود که با رویکردی شناختی و به روش توصیفی با رجوع به منابع مختلف از معماری، به معرفی ویژگی‌های معماری می‌پردازد و بیشتر جنبه‌های عینی و کالبدی این نوع از معماری با رویکردهای اقلیمی، اقتصادی، اجتماعی و... مورد بررسی قرار می‌گیرد و در آن هویت که یک مفهوم غیر عینی است مورد توجه واقع نمی‌گردد (معماریان، ۱۳۷۶).

به نقل از رحیم زاده؛ اثر معماری امروز نیز همچون همیشه با آفرینش قلمرو و زندگی آدمی به ژرف‌ترین و کامل‌ترین شیوه، هویت خود را آشکار می‌کند به گونه‌ای که نیازمند عنصرهای بیرونی نیست که به سان نماد به جای خود اثر، هویت آن را بیان کنند.

۶- بحران هویت در معماری

هویت بحرانی و ناپایدار مربوط به شرایطی است که هریک از موارد فوق از بین برود (دریای لعل و همکاران، ۱۳۹۱، ۱۸):

در این شرایط:

- ۱- تعاریف روشن نیستند (فقدان حکمت نظری همگانی)
 - ۲- ارزش‌ها گم شده و نامفهوم‌اند (فقدان حکمت عملی و همگانی)
 - ۳- نیازی به ارتباط بین آن‌ها و ریشه‌یابی و ارزیابی در آن‌ها دیده نمی‌شود.
- در چنین شرایطی همه چیز امکان‌پذیر خواهد بود و یک آزادی بی‌حد و مرز همه جا به چشم می‌خورد. مردم در مراجعه به معمار نمی‌دانند که چه می‌خواهند و همین سبب می‌شود که نوعی ارزش‌های مدگرایانه زودگذر جای هنجارها و ارزش‌های فرهنگی اصیل را بگیرد (همان).

۷- ارزش‌های نهفته در معماری ایرانی

یکی از مباحث مطرح در هنر و معماری، نقش و اهمیت «صورت» و «معنا» در خلق هنری است. در باب معانی لغوی واژه «معنا» به واژگانی چون مراد، مفهوم کلام و سخن، حقیقت و باطن می‌رسیم (معین، ۱۳۶۲، ۴۲۴۵). در واقع آن چنان که از معانی لغوی «معنا» برمی‌آید، «معنا»، جنبه درونی، باطنی و غیر صوری هر چیز و حامل مقصود اصلی است؛ به عبارت دیگر، «معنا» اصل و حقیقت اشیا و پدیده‌ها است (بمانیان و عظیمی، ۱۳۸۹، ۴۰). لغت «صورت» نیز به معانی وجه، شکل، رخسار و نقش (عمید، ۱۳۸۱) و در جای دیگر مترادف مفاهیمی چون کیفیت، مظهر و جوهری ممتد در جهات سه‌گانه (معین، ۱۳۸۴، ۹۹۹) آمده است؛ بنابراین «صورت» همان وجه ظاهری و بیرونی پدیده‌هاست که با حواس پنج‌گانه درک می‌شود (بمانیان و عظیمی، ۱۳۸۹، ۴۰).

مهم‌ترین مسئله‌ای که هر معمار در اندیشه آفریدن آن است فضا می‌باشد. به بیانی دیگر می‌توان گفت که معماری محصول ابداعات یک ذهن خلاق و نواندیش است که در فضا جلوه می‌کند. توجه به صورت و معنا به خصوص در معماری گذشته ایران (مانند مساجد اسلامی) احساسات مخاطب را برمی‌انگیزد؛ وجود فضای معنوی

و حس خوشایندی که برای مخاطب ایجاد می‌شود؛ تأثیر فضا و روح مکان بر افراد می‌باشد که در مقوله هویت بخشی به فضا جای می‌گیرد. فضا همان تصور کلی و صورت مثالی است که به تجسم درآمده، قالب جسمانی (از سنگ و چوب و آجر و گچ و...) یافته و در معرض نگاه و نگرش ما قرار گرفته است. فضا از سویی متصل و مرتبط با قالب جسمانی است و از سوی دیگر معطوف به ایده‌های (ذهنی، مفهومی و کاربردی) معمار. پس با این حساب می‌توان گفت که فضا نه جسم است و نه جان: فضا لولای میان جسم و جان است. فضا آن جسمی است که در آن جان دمیده شده است و یا جانی است که جامه جسم به تن پوشیده و در عالی‌ترین افق تجلیات آرزویی انسان ایستاده است. فضا، در نظرگاه معمار در قصد اول است و در ایجاد آخر.

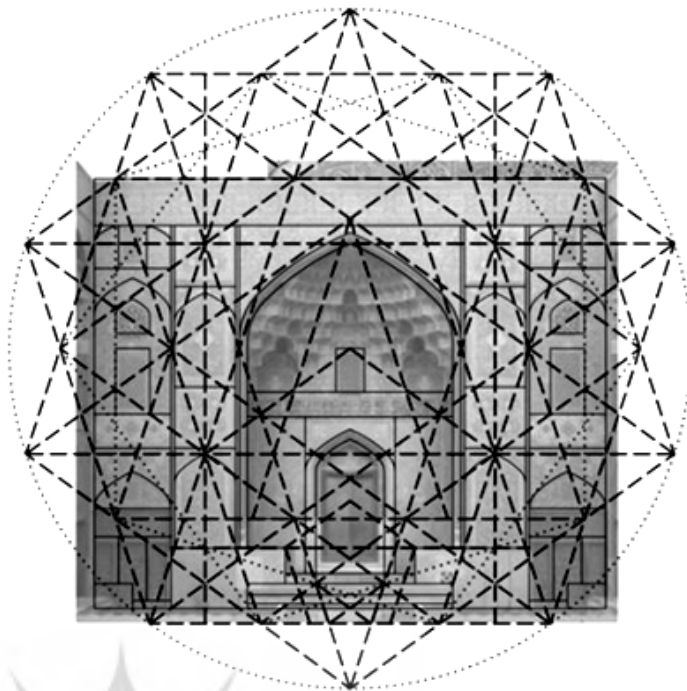
۸- تناسب هندسی

هندسه ابزاری مناسب جهت نظم بخشیدن به معماری و برقراری روابط آگاهانه میان اجزای بنا با یکدیگر است تا در عین مرکب بودن، یکپارچگی فضا را به عنوان یک ترکیب خلاق و هدفمند میسر سازد (دهار و علی پور، ۱۳۹۲، ۳۴). اشرف معمار به علم هندسه و استفاده خلاقانه از آن، تبدیل مفهوم به فضا و فرم را در فرآیند طراحی تسهیل می‌کند و فرسایش مفهوم را در روند به حداقل می‌رساند (همان، ۳۴). حاصل چنین فرآیندی، نوعی معماری است که به دور از برداشت‌های سلیقه‌ای، به لحاظ نظم و تناسبات قابل درک است. تحلیل طراحی معماری در قالب هندسه نمود می‌یابد (تصویر ۲) (عمومی، ۱۳۸۷).

هندسه در علوم اسلامی، پیوند تنگاتنگی با مفهوم «قدر» در قرآن دارد (کاظمی و کلانتری خلیل آباد، ۱۳۹۰). مهندسی در ساحت هنر اسلامی باز آفریننده صور عالم مثال در دو بعد تجریدی و مادی است (همان، ۴۴). بعد تجریدی، خود را در صور انتزاعی نشان می‌دهد و بعد مادی در قالب معماری نمادی از معناست که ظهور می‌کند (بلخاری، ۱۳۸۸، ۳۹۳).

استفاده از الگوی هندسی هماهنگ در اجزا و کلیات بنا، در نمود بصری وحدت و حضور خداوند- حضوری که در همه جا محسوس است- مؤثر است. هم چنین استفاده از هندسه مرکزگرا، در بیان بصری معنای وحدت در کثرت و کثرت در وحدت مناسب است (Jonson، ۱۶۹:۱۹۹۶). در معماری مساجد، فرم و ساختار بنا که برحسب معیارهای سنتی مذهبی ساخته شده‌اند، معنایی کیهانی نهفته است (کاظمی و کلانتری خلیل آباد، ۱۳۹۰). بدین گونه که در تمامیت شکل بنا و نیز در اجزای معماری نظیر محراب، پنجره‌ها، بازشوها و تاق نماها، شکل چهارگوش در پایین و معمولاً قوسی یا مدور در بالا به کار برده شده است (همان، ۴۴). در مساجد گنبد دار، گنبد که شکل و حجمی مدور داشته است و نمودار تاق آسمان و بیانگر مکان متعال است، حالت تعالی گر شکل بنا را کامل می‌کند.

بازآفرینی فضای معماری با رویکرد ارتقاء
 هویت ایرانی
 سمیه اوچیزی، جمال‌الدین مهدی‌نژاد
 صص ۳۳-۴۵



شکل ۱: تحلیل هندسی نمای مسجد شیخ
 لطف‌الله اصفهان، (رضازاده اردبیلی و ثابت
 فرد، ۱۳۹۲، ۳۲)

۹- نماد و رمز

نماد، در معنای رمز نیز آمده است: «ایماء، اشاره به چیزی، راز نهفته، علامت مخصوص که از آن چیزی یا مطلبی درک شود» (عمید، ۱۳۸۱، ۱۰۵۶). هنرمندان و معماران با بهره‌گیری از نگرش به عالم طبیعی و مابعدالطبیعی، خلاقیت خویش را منطبق با فرهنگ، آداب و سنن مذهبی به مدد ابزار و مصالح بومی به منصفه ظهور می‌رسانند (کاظمی و کلانتری خلیل‌آباد، ۱۳۹۰). قابلیت‌های افزایش ادراک فضا و نمود عینی و یا ذهنی، با ایجاد رمز و نماد در معماری بناها محقق شده است (تصویر ۲) (همان، ۴۵). از نظر اسلام هنر الهی در معماری ایرانی اسلامی؛ بیش از هر چیزی نشان‌دهنده وحدت الهی در جمال و نظم عالم است وحدتی که می‌توان آن را در هماهنگی و انسجام عالم کثرت و در نظم و توازن جهان مشاهده کرد جمال دارای همه این شرایط است. استنتاج وحدت از جمال عالم همان حکمت است؛ هنری از نظر اسلام مقدس به شمار می‌آید که از پس تمام زیبایی‌های دنیوی به روح مدد می‌رساند تا از کثرت تشویش‌آمیزها شود و راهی به سوی وحدت بی‌انتهای بگشاید (به نقل از سلیمانی، نمادگرایی در هنر و معماری اسلامی).



تصویر ۲: نقش و تزیینات ارزشمند داخلی
 گنبد سلطانیه در زنجان، ایران، منبع:
 نگارندگان

۱۰- عوامل هویت‌ساز در معماری ایرانی

در روند شکل‌گیری معماری عوامل گوناگونی مانند اقلیم، عملکرد، مصالح و فنون، نیروی انسانی، اقتصاد ساختمان و... بر کالبد نهایی تأثیر می‌گذارند همچنین در کنار روند تأثیرگذاری عوامل مادی، فیزیکی، محیطی-اقلیمی، شکل و فضای بنا در بعد فرهنگی، تمثیلی و هنری، باید از کلیه آرمان‌ها و ارزش‌های یک جامعه برخوردار باشد (دیبا، ۱۳۷۸، ۱۰۷).

بسیاری از ارزش‌های موجود در تعالیم اسلامی مانند: (ذکر، امنیت، آرامش، عبرت‌گیری، وحدت، اجتناب از اسراف و تبذیر، اجتناب از ریا و تفاخر، اجتناب از فردگرایی و...) می‌توانند مصادیق کالبدی داشته باشند که این مصادیق در ایجاد محیطی زندگی اسلامی ایرانی ایفای نقش می‌نمایند (نقی زاده، ۱۳۹۰). همان‌گونه که بسیاری از این ارزش‌ها به صورت کالبدی در معماری سنتی ایرانی قابل مشاهده است؛ از جمله می‌توان به اصولی چون سلسله‌مراتب، وحدت در کثرت، حریم و قلمرو، حجاب و محرمیت، احتراز از کبر و جلوه‌گری، تعادل و تناسب، هم‌پیوندی و هماهنگی، زیبایی و کمال‌جویی و نظم اشاره کرد (رحیمی و سیدیان، ۱۳۹۳). در جدول شماره ۱ می‌توان به صورت کلی ارزش‌هایی که در معماری ایرانی هویت‌ساز بوده است را نام برد:

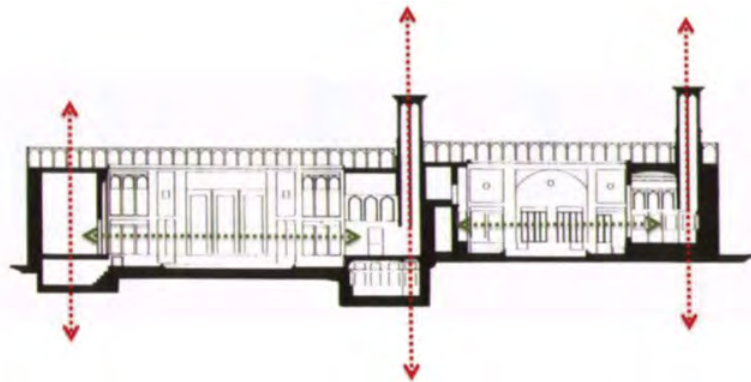
مؤلفه‌های هویت ملی					نمود هویت در معماری
باورهای مذهبی	ویژگی‌های جغرافیایی	اسطوره‌ها و نمادهای ملی	میراث فرهنگی	ارزش‌ها و هنجارهای ملی	
-	-	*	*	-	تکرار الگوهای گذشته
*	-	*	-	*	استفاده از نمادها
-	*	-	-	-	معماری بومی
*	-	*	*	*	تزیینات
*	-	*	-	*	مردم‌واری
*	*	-	-	*	پرهیز از بیهودگی
-	*	-	-	-	نیارش
*	*	-	-	-	درون‌گرایی
*	*	-	-	*	خودبسندگی

جدول شماره ۱: مؤلفه‌های هویت‌ساز در معماری سنتی ایرانی (بمانیان و همکاران، ۱۳۸۹).

۱۱- اصل سلسله‌مراتب

یکی از مهم‌ترین عوامل هویت‌دهنده در معماری ایرانی وجود سلسله‌مراتب در صورت‌بندی فضاهای دسترسی بوده است (پاکزاد، ۱۳۸۶، ۵). این سلسله‌مراتب در شریان‌های محلات نقش مهمی را ایفا کرده و این راه‌ها با سلسله‌مراتبی از فضاهای عمومی به فضاهای خصوصی یعنی خانه‌ها متصل می‌شدند (توسلی، ۱۳۸۱، ۳۴). کلیه موجودات عالم مانند حلقه‌ای زنجیر یا پله‌های نردبان به هم پیوسته و بدون طفره از وجود محض تا عدم صرف در یک سلسله‌مراتب منظم قرار گرفته‌اند و مقام هر یک در این سلسله بستگی به درجه شدت و ضعف مرتبه وجودی آن دارد (نصر، ۱۳۵۹، ۱۱۴). سلسله‌مراتب فضایی از طریق ایجاد متوالی، قابل تعریف و تبیین میسر می‌باشد (نقی زاده، ۱۳۸۵، ۲۹۷).

تصویر شماره ۳: سلسله‌مراتب عمودی و
افقی، خانه گرچی‌ها در یزد، ایران. (راستجو
و همکاران، ۱۳۹۳)



۱۲- اصل حریم و حجاب

خانه‌های سنتی ایرانی در سطح خانواده‌ها حریم و حجاب داشته و درعین حال موقعیت‌های مناسبی برای گذران آزاد و بی‌قیدوبند در قسمت فضای عمومی خانه را فراهم آورده‌اند (فلامکی، ۱۳۸۴، ۱۳۳).

حفظ حرمت خانواده و توجه به اصل محرمیت، از بارزترین تجلیات اصول اعتقادی و فرهنگی در معماری و شهرسازی ایرانی بوده است. به گونه‌ای که در طراحی بناهای مسکونی هیچ‌گونه اشرافی از همسایگان متوجه ساکنین نیست. درعین حال بر روی در ورودی خانه‌ها کوبه‌های متفاوت، نشانگر جنسیت مراجعه‌کننده است. شکل‌گیری فضاهای اندرونی و بیرونی، طراحی سلسله‌مراتب فضایی، تعبیه فضایی به نام هشتی در ورودی خانه‌ها و عدم دید فضاهای داخلی خانه در بدو ورود، از اثرات این معماری است. مردم‌واری معماری ایران و رعایت تناسب میان اندام‌های ساختمانی با اندام‌های انسان از دیگر مصادیق حرمت است.

۱۳- تعادل و هماهنگی

هماهنگی همان تنظیم انواع ارتباطات دویا چند شی یا معنا به گونه‌ای که منافی ارزش‌ها و عملکرد یکدیگر نباشند، می‌باشد (نقی زاده، ۱۳۸۵، ۲۱۶). هماهنگی به همراه نظم به عنوان بیان‌کننده ویژگی‌های یک مجموعه متعادل ذکر می‌گردد و از جمله اصولی است که رعایت و وجود آن لازمه یک طرح و برنامه موفق می‌باشد و عده‌ای را عقیده بر این است که اصولاً نظم یعنی هماهنگی یک عده اعضا (جعفری، ۱۳۵۸، ۲۸).

معماری و شهرسازی ایرانی متعادل است. بدان مفهوم که با شناخت طراحان و ایجادکنندگان، از بستر طبیعی آن اولاً میزان جمعیت‌پذیری شهر متناسب با توان و ذخیره موجود در طبیعت تنظیم می‌گردد. ثانیاً توسعه کالبدی بناها و شهر با اتکا به مصالح طبیعی موجود در منطقه انجام می‌گرفت. ثالثاً در معماری نیز تعادل میان اجزاء تشکیل‌دهنده فضاهای معماری به ویژه در نماها و احجام قابل درک و شناسایی است. در خصوص تعادل علامه جعفری می‌گویند: «با نظر به پدیده‌ها و فعالیت‌های روانی و رابطی که میان مجموعه‌ای از آن‌ها برقرار می‌شود؛ در آن هنگام که تعادلی منطقی میان قوانین حاکم بر آن‌ها به وجود بیاید، با یک شهود خاصی، زیبایی آن مجموعه را درک می‌کنیم» (جعفری، ۱۳۶۹، ۲۳۸). یک مجموعه یا کالبد متعادل، مجموعه یا کالبدی است که انتظام آن براساس رعایت اصول عدل انجام شده باشد (نقی زاده، ۱۳۸۵، ۲۰۶).

بازآفرینی فضای معماری با رویکرد ارتقاء
هویت ایرانی
سمیه اوچیزی، جمال‌الدین مهدی‌نژاد
صص ۲۳-۴۵



تصویر شماره ۴: تکرار درونی عناصر خانه
بروجردی‌های کاشان، ایران.
(راستجو و همکاران، ۱۳۹۳)

سال دوم، شماره چهارم، پاییز ۱۳۹۸

۱۴- اصل احتراز از کبر و جلوه‌گری

در معماری ایرانی؛ سیمای داخل محله، منظری هماهنگ و متناسب را عرضه کرده و کمتر خانه‌ای بود که در ارتفاع، خود را از سایر خانه‌های همسایگی متمایز کند. البته این مهم در ورودی خانه‌ها تا حد بسیاری از این امر مستثنی بوده و هر فضای ورودی در خانه‌های سنتی کم‌وبیش معرف موقعیت اقتصادی و اجتماعی ساکنان آن خانه به شماره می‌رفته است (سلطان‌زاده، ۱۳۶۵، ۲۴۳).

۱۵- اصل وحدت

اصل وحدت به عنوان تجلی تفکر توحیدی مسلمین، از جمله موضوعاتی است که در علوم و فنون هنرهای مختلف مورد توجه مسلمین بوده است (نقی‌زاده، ۱۳۷۹). شهر سنتی در معنای عمیقی «وحدت در کثرت» را در خود جای داده و این اصل که از اصول زیربنایی معماری و شهرسازی ایرانی و برگرفته از اصل اعتقادی اسلام «توحید» است، به نحو چشمگیری در شهر سنتی قابل مشاهده است (رضوی پور و همکاران،

بازآفرینی فضای معماری با رویکرد ارتقاء
هویت ایرانی
سمیه اوچیزی، جمال‌الدین مهدی‌نژاد
صص ۳۳-۴۵

۱۳۹۱). این اصل بایستی در تمامی عناصر معماری ایرانی تجلی و نمود یابد و مصداق این ویژگی را این‌گونه می‌توان بیان کرد که در مرکز شهر اسلامی، مسجد جامع قرار گرفته و همراه آن مراکز آموزشی که با یکدیگر بعد معنوی و فکری شهر را به وجود می‌آورند، پس از آن بعد مادی شهر چهره می‌نمایند، یعنی بازارهای مرکزی و بزرگ و سایر بازارهای کوچک و... در مجموع کلیه کاربری‌ها، یک شهر واحد را به وجود می‌آورند (بهادری، ۱۳۹۲).

«در معماری اسلامی نه تنها میان بناهای مختلف مذهبی و غیرمذهبی و تزیینات موجود در آن‌ها وحدت و هماهنگی مشاهده می‌شود، بلکه میان انواع تزیینات و هنرهای گوناگون تزیینی به کار رفته در آن‌ها نیز هماهنگی کامل وجود دارد، که از جمله آن‌ها وحدت و هماهنگی موجود بین آئینه‌کاری، گچ‌بری و کاشی‌کاری آن‌ها است که استادکاران هنرمند، آن‌ها را با طرح‌های دقیق و استادانه هندسی با هم درآمیخته‌اند. همچنین جلوه درخشان این وحدت به‌ویژه در مساجد و حرم امامان و امامزاده‌ها از لحاظ نمادین، خیره‌کننده و تأمل‌برانگیز است. این تزیینات فقط جنبه تزیینی ندارند، بلکه از جنبه‌های کاربردی مهمی نیز برخوردارند و مکمل یکدیگر می‌باشند. هنرمند و معمار اسلام، هیچ چیز را صرفاً برای زیبایی محض به کار نمی‌برد، بلکه آنچه را که بایسته و ضروری است ایجاد می‌کند، اما آن را زیبا ارائه می‌نماید. منظور از زیبایی فقط جمال نیست، بلکه بیشتر به مفهوم زیننده بودن و تناسب داشتن است، چنانچه جهان و طبیعت نیز این چنین است. به عنوان نمونه، هدف از بکار بردن کاشی در بسیاری از بناها، پیش از آنکه جلوه و زیبایی بنای مورد نظر باشد، جنبه‌های کاربردی آن نیز مورد توجه است که از جمله ابعاد کاربردی آن موارد زیر است:

۱. جنبه استحکام بخشی به بنا.
 ۲. جنبه حفاظتی کاشی از خشت خام در مقابل بارندگی، باد و تابش خورشید.
 ۳. ویژگی عایق بودن کاشی در مقابل حرارت، برودت و صوت»^۶.
- «کل» در کیفیت خود که محصولی از کیفیات همه اجزا است، از کیفیت یک جزء تبعیت نمی‌کند، اگرچه کیفیت خاص یک جز هر چند ناچیز هم باشد، در کیفیت کل دخالت و تأثیر دارد (جعفری، ۱۳۶۹، ۲۳۰). هر چه اجزا از یک‌نواختی بیشتری برخوردار باشد، زودتر در یک جمع به صورت یک کل به چشم خواهد آمد و هر چه هر جزء تنهایی کامل تر باشد، مجموعه به مجموعه‌ای نامتجانس شبیه خواهد شد و کل فاصله بیشتری از یک واحد همگون پیدا می‌کند (گروتز، ۱۳۷۵).

۱۶- اصل امنیت

اهمیت این موضوع برای معماری و شهر ایرانی - اسلامی به حدی است که خداوند تبارک و تعالی به هنگام قسم یادکردن به شهر مکه آن را صفت امین یاد و می‌فرماید: «وهذا البلد الامین» (سوره تین، آیه ۸) ترجمه: و قسم به این شهر امن و امان (نقی زاده، ۱۳۷۹، ۴-۴۰). خانه‌هایی که کالبد شهر ایرانی اسلامی را شکل می‌دهند مأمن انسان و عهده‌دار تأمین دو دسته نیاز اصلی اوست: امنیت جسمی و امنیت روحی (فیاض‌انوش و همکاران، ۱۳۸۷).

۱۷- نتیجه‌گیری

پیدایش بحران‌ها و چالش‌هایی که امروزه باعث نگرانی برخی از معماران و طراحان شده، بی‌هویتی است که معماری امروز را در بر گرفته است؛ زیرا ناهمگونی‌هایی در فرهنگ ایرانی بروز کرده که پیامدهای منفی آن در معماری و حتی زندگی فردی و اجتماعی ایرانیان نمود یافته است و به نظرمی رسد همه این مصادیق به نحوی با نبود مؤلفه‌های هویت ایرانی در ارتباط باشد. مشکلاتی مانند گسست بین ارزش‌های معماری گذشته و امروز، تعارض بین سنت‌گرایی و تجددگرایی، سردرگمی میان ارزش‌های ملی و مذهبی جامعه گذشته با فرهنگ وارداتی امروزی، سردرگمی معماران در میان تنوع هویت و غرب‌زدگی برخی از طراحان، شکاف بین روشنفکران و دانشگاهیان با عامه مردم.

بی‌شک با تغییر سبک زندگی نمی‌توان تمامی قالب معماری گذشته را تکرار کرد و این تکرار صحیح نیست اما می‌توان بسیاری از اصول معتبر آن را در خانه‌های مدرن امروزی پیاده ساخت. بهره‌گیری صحیح از معماری گذشته باید آموزش داده شود و حتی می‌توان فرهنگ‌سازی را از سنین پایین آغاز کرد. توجه به ارزش‌هایی مانند اصل وحدت، اصل امنیت، اصل احترام از کبر و جلوه‌گری، تعادل و هماهنگی در کالبد بنا، اصل حریم و حجاب، اصل سلسله‌مراتب، مردم‌واری، پرهیز از بیهودگی، معماری بومی و توجه به اقلیم منطقه و توجه ویژه به اعتقادات و باورهای دینی هر جامعه، ما را به هویتی اصیل برای معماری ایرانی نزدیک خواهد کرد. جا دارد که با تدوین منطقی و صحیح این ارزش‌ها، دیگر شاهد بی‌هویتی در کالبد و فضای معماری کشورمان ایران با این همه قدمت و پیشینه نباشیم.

منابع

- اسلامی، سید غلام‌رضا، (۱۳۹۲)، تحلیل و پژوهش در معماری، جزوه تخصصی دوره دکتری معماری، دانشگاه تهران، تهران.
- اقبال، سید رحمان، (۱۳۷۸)، هویت معماری معاصر: بررسی تطبیقی نظریه‌ها و تجربه‌ها، رساله دکتری معماری، دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران.
- بلخاری قهی، حسن، (۱۳۸۴)، مبانی عرفانی هنر و معماری اسلامی، دفتر اول و دوم، کیمیای خیال، سازمان تبلیغات اسلامی حوزه هنر، سوره مهر، تهران.
- بمانیان، محمدرضا، عظیمی. سیده فاطمه، (۱۳۸۹)، انعکاس معنای منبعث از جهان بینی اسلامی در طراحی معماری، فصلنامه علمی- پژوهشی مطالعات شهری ایرانی اسلامی، شماره دوم، ۳۹-۴۸.
- بمانیان، محمدرضا، رستم، نسیم غلامی. رحمت پناه، جنت، (۱۳۸۹)، عناصر هویت‌ساز در معماری سنتی خانه‌های ایرانی (نمونه موردی خانه رسولیان یزد)، نشریه علمی پژوهشی مطالعات هنر اسلامی، شماره ۱۳.
- بهادری، منصور، (۱۳۹۲)، اصول حاکم بر شهرسازی اسلامی، فصلنامه طاق نما، شماره ۲.
- پاکزاد، جهان‌شاه، (۱۳۸۶)، مقالاتی در باب مفاهیم معماری و طراحی شهری، انتشارات شهیدی، تهران.
- تاجیک، محمدرضا، (۱۳۸۴)، روایت هویت در میان ایرانیان، فرهنگ گفتمان، تهران.
- توسلی، محمود، (۱۳۸۱)، ساخت شهر و معماری در اقلیم گرم و خشک ایران، انتشارات پیام، تهران.
- جعفری، محمدتقی، (۱۳۵۸)، ترجمه تفسیر نهج البلاغه، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ایران.
- جعفری، محمدتقی، (۱۳۶۹)، زیبایی و هنر از دیدگاه اسلام، دفتر مطالعات دینی هنر، تهران، ایران.
- حجت، عیسی، (۱۳۸۲)، بی‌ارزشی ارزش‌ها، هنرهای زیبا، شماره ۱۴.
- حجت، عیسی، (۱۳۸۴)، هویت انسان‌ساز، انسان هویت پرداز؛ تأملی در رابطه هویت و معماری، نشریه هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، شماره ۲۴، ۵۵-۶۲.
- دریای لعل، بهرننگ. حوصله دار صابر، ریحانه، (۱۳۹۱)، بازنگری یک مفهوم در معماری معاصر ایران (هویت)، نشریه فن و هنر، شماره ۵۲، سازمان نظام مهندسی ساختمان گیلان، ایران.
- دهار، علی، علی‌پور، رضا، (۱۳۹۲)، تحلیل هندسی معماری مسجد شیخ لطف‌الله اصفهان جهت تعیین ارتباط هندسی نمازخانه با جلوخان ورودی بنا، نشریه باغ نظر، سال دهم، شماره ۲۶، ۳۳-۴۰.
- دهخدا، علی‌اکبر، (۱۳۳۴)، لغت‌نامه دهخدا، دانشگاه تهران، تهران.

بازآفرینی فضای معماری با رویکرد ارتقاء
هویت ایرانی
سمیه اوچیزی، جمال‌الدین مهدی‌نژاد
صص ۳۳-۴۵

- دیبیا، داراب، (۱۳۷۸)، الهام و برداشت از مفاهیم بنیادی معماری ایران، فصلنامه معماری و فرهنگ، سال اول، شماره ۱.
- راستجو، سولماز، فاضلی، نسیم، بمانیان، محمدرضا، (۱۳۹۳)، تجلی اندیشه‌اندیشه در معماری ایرانی، مجموعه مقالات اولین کنگره بین‌المللی فرهنگ و اندیشه دینی، مرکز راهبری مهندسی فرهنگی شورای فرهنگ عمومی استان بوشهر، ایران.
- رحیمی، رضا، سیددیان، سید علی، (۱۳۹۳)، بررسی و ارزیابی هویت ایرانی اسلامی در بافت قدیم و جدید محلات تهران، مجموعه مقالات اولین کنگره بین‌المللی افق‌های جدید در معماری و شهرسازی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- رضازاده اردبیلی، مجتبی، ثابت فرد، مجتبی، (۱۳۹۲)، بازشناسی کاربرد اصول هندسی در معماری سنتی: مطالعه موردی قصر خورشید و هندسه پنهان آن، نشریه هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، دوره ۱۸، شماره ۱، ۴۴-۲۹.
- رضوی پور، مریم سادات، ذاکری، محمدمهدی، اجباری، احسان، (۱۳۹۱)، هویت ایرانی اسلامی شهر تهران در گذر زمان، فصلنامه مطالعات ملی، تهران، شماره ۵۱.
- سلطان‌زاده، حسین، (۱۳۶۵)، مقدمه‌ای بر تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران، نشر آبی، تهران.
- شولتر، کریستیان نوربرگ، (۱۳۸۲)، گزینه‌ای از معماری: معنا و مکان، ترجمه و ویدئو نوروز برازجان، انتشارات جان جهان، چاپ اول، تهران.
- عمومی، محمد، (۱۳۸۷)، معماری الگو، تهران، خاک.
- عمید، حسن، (۱۳۸۱)، فرهنگ عمید، چاپ بیست و پنجم، جلد ۲، امیرکبیر، تهران.
- فلاحی، منصور، (۱۳۸۴)، باززنده‌سازی بناها و آثار تاریخی، دانشگاه تهران، تهران.
- فیاض‌انوش، ابوالحسن، سنایی راد، عباسعلی، (۱۳۸۷)، شاخصه‌های کالبد و فرهنگ خانه در منابع اسلامی، مجموعه مقالات نخستین همایش آرمان شهر اسلامی، انتشارات دانشگاه اصفهان ایران.
- قبادیان، وحید، (۱۳۸۳)، مبانی و مفاهیم در معماری معاصر غرب، انتشارات دفتر پژوهش‌های فرهنگی، تهران.
- کاظمی، سید محمد، کلانتری خلیل‌آباد، حسین، (۱۳۹۰)، ابزارهای پیام‌رسانی معنوی در معماری مسجد تا تأکید بر نقش ایدئولوژی اسلامی، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، شماره ششم، ۴۱-۴۶.
- گروت، لیندا و دیوید وانگ، (۱۳۹۰)، روش‌های تحقیق در معماری، ترجمه علی‌رضا عینی فر، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ چهارم، تهران.
- محسن، طبسی، (۱۳۸۶)، بازتاب هویت ایرانی در معماری اسلامی ایرانی از هویت ایرانی (سلسله مقالات و گفتارهایی پیرامون هویت ایرانی)، انتشارات سوره مهر، تهران، ۳۶۹.
- معاریان، غلامحسین، (۱۳۷۶)، آشنایی با معماری مسکونی ایران: گونه‌شناسی درون‌گرا، انتشارات دانشگاه علم و صنعت، تهران.
- معین، محمد، (۱۳۶۲)، فرهنگ فارسی، چاپ ۵، جلد ۴، سپهر، تهران.
- معین، محمد، (۱۳۸۴)، فرهنگ فارسی دو جلدی (جلد ۱)، ادنا، کتاب راه نو، تهران.
- ملاصدرا، برگرفته از رضا اکبریان، (۱۳۸۶)، مناسبات دین و فلسفه در جهان اسلام، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۵۴-۵۴۱.
- مهدوی پور، حسین، (۱۳۷۷)، مقدم‌های بر تأثیر فرهنگ در معماری، نشریه مسکن و انقلاب (فصلنامه تخصصی بنیاد مسکن انقلاب)، تهران، ۸۵.
- مهدوی‌نژاد، محمدجواد و دیگران (۱۳۸۹)، هویت معماری، تبیین معنای هویت در دوره‌های پیشامدرن، مدرن و فرامدرن، نشریه هویت شهر، شماره ۷، ۱۱۳-۱۲۲.
- مهدوی‌نژاد، محمدجواد، (۱۳۸۵)، سبک‌شناسی جریان‌های معماری معاصر گرایش‌های معماری پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، فصلنامه آبادی، شماره ۵۲، ۱۲-۲۳.
- مهدی‌نژاد، جمال‌الدین، صادقی حبیب‌آباد، علی، (۱۳۹۳)، بازگشت هویت به معماری، بازگشت به معماری پایدار، مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی پایداری در معماری و شهرسازی، کانون ملی معماری ایران و دانشگاه آزاد اسلامی واحد امارات، شهر مصدر دویی.
- مهدی‌نژاد، جمال‌الدین، صادقی حبیب‌آباد، علی، (۱۳۹۴)، هم‌داستانی روانشناسی محیطی و مهرز نفیس پارسی از دیرباز تا به امروز، مجموعه مقالات دومین کنگره بین‌المللی افق‌های جدید در معماری و شهرسازی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- میرمیران، هادی، (۱۳۸۳)، جستجوی هویت ملی در معماری امروز، فصلنامه معمار، شماره ۲۶.
- نصر، سید حسین، (۱۳۵۹)، نظر متفکران اسلامی در مورد طبیعت، نشر خوارزمی، تهران، ایران.
- نقره‌کار، عبدالحمید، (۱۳۸۷)، درآمدی بر هویت اسلامی در معماری، وزارت مسکن و شهرسازی، دفتر معماری و طراحی شهری، شرکت طرح و نشر پیام سیما، تهران.
- نقی‌زاده، محمد، (۱۳۷۹)، صفات شهر اسلامی از نگاه قرآن کریم، صحیفه مبین، شماره ۲۲.
- نقی‌زاده، محمد، (۱۳۸۵)، معماری و شهرسازی اسلامی: مبانی نظری، انتشارات راهیان، ایران.
- نقی‌زاده، محمد، (۱۳۹۰)، شهرآرمانی اسلام با فضای حیات طیب، نشر شهر، تهران.
- نقی‌زده، محمد، (۱۳۷۹)، رابطه هویت، سنت معماری ایران با مدرنیسم و نوگرایی، مجله هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران، شماره ۷.

• Jonsen, A. R., (1996), The Birth of Bioethics, Oxford University Press